فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc467107265)

[توصیه به تقوای الهی 2](#_Toc467107266)

[رسالت سرّی پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلّم 2](#_Toc467107267)

[دعوت پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله از خویشان به توحید 3](#_Toc467107268)

[اولین برخورد سران مکه؛ بعد از دعوت پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلّم 4](#_Toc467107269)

[نقل‌های مختلف از دعوت علنی پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلّم 5](#_Toc467107270)

[خطبه دوم 6](#_Toc467107271)

[توصیه به تقوای الهی 7](#_Toc467107272)

[رویداد کسوف در بیست مرداد 8](#_Toc467107273)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# خطبه اول

اعوذبالله بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه**[[1]](#footnote-1)**؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»**[[2]](#footnote-2) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# توصیه به تقوای الهی

همه شما برادران و خواهران گرامی و خودم را در این روز مبارک و عزیز؛ به تقوا و پارسایی؛ پرهیز از گناهان و آلودگی‌های روحی و اخلاقی، عمل به دستورات خداوند و ذکر و شکر او در همه احوال؛ سفارش و دعوت می‌کنم.

خداوند را به مقربان درگاهش سوگند می‌دهیم که ما را از بندگان خالص و مقرب خودش قرار بدهد.

در ادامه مباحثی که پیرامون تاریخ رسول گرامی اسلام؛ حضرت محمد بن عبدالله «صلی‌الله علیه و آله و سلّم» مطرح کردیم، در این خطبه به گوشه‌های دیگری از رسالت رسول خدا و زندگی و شخصیت این پیامبر بزرگ الهی می‌پردازیم.

# رسالت سرّی پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلّم

بیان شد که؛ پس از بعثت رسول خدا؛ دعوت پیامبر؛ مراحل تدریجی را طی کرد و رسول خدا به‌تدریج؛ دعوت خودش را گسترش داد و پیام خدا را و اسلام را به مردم رساند، یک مرحله حداقل سه‌ساله داشتند که کاملاً دعوت رسول خدا و ابلاغ و پیام رسول خدا؛ سرّی و مخفیانه بود، این‌طور نبود که رسول گرامی اسلام در مسجدالحرام و درملأعام و در انظار عمومی به‌صورت رسمی اسلام را مطرح بکنند یا مردم را به دین جدید دعوت بکنند، بلکه قرار دعوت بر این بود که در محفل‌های خصوصی و در برابر افراد معدود و در مواقع خاصی که؛ زمینه و شرایطی بود؛ رسول خدا مردم را به توحید و رسالت خودشان و ایمان و اعتقاد به آنچه از ناحیه خدا؛ نازل‌شده بود؛ دعوت می‌کرد، حداقل سه سال دعوت رسول خدا سرّی بود و در طول این سه سال؛ افراد معدودی به اسلام گرایش پیدا کردند، اما البته افراد بزرگ و شخصیت‌های بسیار ارزشمندی بودند، بعدازاین سه سال؛ دو مرحله دیگر در انتشار دعوت رسول خدا و گسترش پیام خداوند؛ سپری شد،

# دعوت پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله از خویشان به توحید

مرحله دوم؛ «**و انذر عشیرتک الاقربین**»، بر اساس این آیه در سوره شعرا؛ پیامبر خدا؛ از مرحله دعوت سرّی و مخفیانه عبور کرد و دعوت خودشان را به خویشان و نزدیکان و بنی‌هاشم منتقل کردند؛ به همان کیفیتی و ترتیبی که بیان شد، در یک جمع قریب به چهل نفر یا بیشتر؛ از خویشان خودشان را به‌صورت رسمی به اسلام، توحید و رسالت خودشان دعوت کردند، بعد از دعوت خویشان خود؛ عملاً دعوت رسول خدا در مکه؛ دعوت رسمی‌شده بود.

طبعاً رسول خدا؛ منتظر بازخوردها و عکس‌العمل‌هایی بود که از گوشه و کنار مکه؛ بر می‌خواست و پیش‌بینی هم می‌شد که؛ سران قریش و چهره‌های بزرگ کفر مکه؛ به‌سادگی تن به رسالت رسول خدا؛ در مبارزه با بت‌ها و جهل‌ها نخواهند داد، در چند سالی که دعوت مخفی بود، به دلیل اینکه؛ خیلی رسالت رسول خدا را جدّی نمی‌گرفتند؛ چندان هم عکس‌العمل تندی از خود نشان نداده بودند، همین‌که مجلس دعوت؛ چند بار تکرار شد و خویشان خود را؛ رسماً به اسلام دعوت کردند؛ در مکه ناگهان؛ صدای این رسالت و دعوت رسمی به همه مردم مکه رسید، به دنبال رسمیت شدن دعوت پیامبر؛ برخوردها نسبتاً تندتری نسبت به رسول خدا؛ شروع شد، اولین بازتابی که؛ در محیط مکه و از سو مشرکین و کفار و سران کفر که؛ ادامه ریاست خودشان را در جهل و حماقت مردم می‌دیدند و در مبارزه دعوت به توحید و رسالت رسول خدا می‌دیدند، اولین عکس‌العمل؛ مسخره و استهزا بود.

برخورد با پیامبر اکرم؛ برخورد ساده و آسانی نبود، سِرّش هم چند چیز بود:

1- رسول گرامی اسلام از یک خانواده ناشناخته یا از یک قبیله مجهول نبود، خاندان رسول خدا؛ در طول تاریخ؛ شناخته‌شده و معتبر و مورد اعتماد مکه بودند، گرچه رسول خدا یک یتیم بود، اما درعین‌حال؛ خاندان رسول خدا؛ خاندان معتبر و شناخته‌شده بودند، از طرف دیگر؛ شخص ابوطالب؛ پدر بزرگوار حضرت امیرالمونین «علیه‌السلام»، یک حامی و مدافع قوی رسول خدا بودند، از همان آغاز بعثت رسول خدا؛ حمایت و نصرت خودش را به رسول خدا اعلام کرده بود، ازاین‌جهت است که؛ برخورد با رسول خدا؛ راحت نبود.

همین‌طور پرونده شخصی خود پیامبر که؛ همه می‌دانستند؛ دوران کودکی و نوجوانی و جوانی و دوره میان‌سالی پیامبر؛ یک نقطه تاریک در پرونده ایشان نبود.

 لذا در ابتدا سران قریش نمی‌توانستند با پیامبر برخورد سنگین داشته باشد، بلکه به‌صورت گام‌به‌گام؛ برخوردها سنگین‌تر می‌شد و شدت می‌یافت.

دعوت هنگامی‌که میان خویشان علنی شد، بازتاب دعوت علنی؛ مخالف مصالح سرانی بود که؛ قدرت خودشان را در جهل و حماقت مردم می‌دیدند.

# اولین برخورد سران مکه؛ بعد از دعوت پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلّم

اولین برخورد؛ استهزا و مسخره کردن بود، بحث استهزا اهل حق در قرآن یک‌فصل مفصلی دارد و یکی از ابزارها و اهرم‌های کفر و نفاق و مخالفان دعوت نجات‌بخش رسول خدا؛ استهزا و مسخره بود.

گاهی حضرت ابوطالب را مسخره می‌کردند که؛ تو با این سن و بزرگی؛ باید مطیع برادرزاده‌ات باشی یا برادرزاده تو اعلام کرده است که؛ بعد از ارتحال خودش؛ پسر تو جانشین اوست.

بخصوص؛ ابوجهل، ابولهب و جمع دیگری که؛ در تاریخ اسامی‌شان ثبت است، سران بسیار متعصب که؛ در جهل زندگی کرده بودند و تحمل نور و روشنایی؛ پیام نجات‌بخش اسلام را نداشتند و مرگ خودشان را در طلوع خورشید اسلام می‌دیدند، ازاین‌جهت بنای بر دشمنی گذاشتند و دشمنی خودشان را در ابتدا؛ بعدازاین اعلام رسمی؛ در دشنام و استهزا نشان دادند.

این جریان که در یک‌فاصله‌ای محقق شد؛ به مدتی که زیاد طول نکشید؛ آیه دیگر نازل شد و مرحله جدید و نوینی در ابلاغ و دعوت رسول خدا؛ با آن آیه شروع شد، دعوت بعد از سه سال؛ از سرّی بیرون آمد؛ به خویشان و نزدیکان ابلاغ شد.

به‌واسطه این موج استهزا و مسخره؛ شرایط فراهم شد و یک آیه‌ای تازه نازل شد و فرمان یک‌قدم به جلو؛ برای پیامبر داده شد، دعوت از مرحله نزدیکان و خویشان هم عبور کرد و دعوت رسول خدا به همه مکه و جزیرة‌العرب اعلام شد، این آیه در سوره حجر آمده است؛ از شأن نزول این آیه؛ مرحله دوم در اعلام دعوت پیامبر؛ بعد از دعوت خانوادگی و پس از موج تهمت‌ها و دشنام‌ها که؛ به‌سوی رسول خدا؛ سرازیر شده بود؛ انجام شد.

آیه؛ «**فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ إِنَّا كَفَيْناكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ**»[[3]](#footnote-3) و با چند آیه اواخر سوره حِجر؛ «**وَ لَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّکَ يَضيقُ صَدْرُکَ بِما يَقُولُونَ** [**فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَ کُنْ مِنَ السَّاجِدينَ**](http://tadabbor.org/?page=quran&SID=15&AID=98)»[[4]](#footnote-4)که؛ از آیات سرنوشت‌ساز و فرمان آغاز یک مرحله جدید در دعوت مردم به توحید و رسالت است، فرمان آمد: اظهار کن به آنچه؛ مأمور شده‌ای، باکمال شجاعت و باکمال اقتدار قلبی و ایمان؛ آنچه؛ ما به تو فرمان داده‌ایم؛ آن را ابلاغ بکن و روی از این مشرکان برگردان و بی‌اعتنایی کن، این موج استهزا و مسخره که؛ به‌سوی تو سرازیر شده است؛ نترس و به خود هراس راه نده، ما تو را در برابر آن‌ها؛ پشتیبانی خواهیم کرد.

ما می‌دانیم که؛ حرف جدید و بدیع تو؛ دشوار هست، برای تو این‌همه سختی و فشار؛ سخت است؛ برای تو؛ گفته‌های آن‌ها سنگین تمام می‌شود؛ امّا تو مقاوم باش، تو خدا را تسبیح بگذار و از سجده کنندگان باش، با عبادت خود را مقاوم کن.

وقتی‌که؛ در مقابل موج گناه و تباهی قرار گرفتید و زمانی که؛ پیام شما در اقلیّت است یا اقلیّتی نمی‌گذارند؛ پیام اسلام و خدا به مردم برسد و تو را تحت‌فشار قراردادند؛ با عبادت و با سجده و پرستش خدا؛ وجود خودت را موسع کن و آرام باش؛ خدا تو را پشتیبانی خواهد کرد.

مکه‌ای که تا عمق وجودش در بت‌پرستی، شرب خمر، فحشا، منکرات و تباهی‌ها غرق‌شده و همه آن سرزمین آلوده‌ شده است، از درون این تاریکی؛ یک پیام نجات‌بخش و جرقه نوری جهیده است که؛ برای شب‌پرستان و تاریک فکران؛ سنگین تمام‌شده است و همه حمله کرده‌اند که؛ این نور را خاموش بکنند.

# نقل‌های مختلف از دعوت علنی پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلّم

در بعضی از نقل‌ها آمده است که؛ حضرت آمد بر حِجر اسماعیل ایستاد و خطبه‌ای خواند، در بعضی از نقل‌های دیگر؛ نوشته‌شده که؛ حضرت به صفا و مروه آمد، بر کوه صفا ایستاد و مردم را به‌سوی خود فراخواند و خطبه‌ای را القا کرد، احتمالاً هردوی این نقل‌ها به دنبال نزول این آیات محقق شده است.

در نقلی که حضرت آمد به خانه خدا و بر حِجر اسماعیل ایستاد؛ این‌طور دارد که؛ فرمودند: «یا معشر قریش یا معشر عرب، ای همه قبیله قریش و ای قبیله عرب، ای همه‌کسانی که؛ در مکه و جزیرة‌العرب زندگی می‌کنید؛ «ادعوکم الی شهادة ان لا اله الا الله، اولین باری است که؛ رسول خدا علنی در مرکز مکه؛ مردم را به خداپرستی دعوت کردند و من به‌عنوان رسول خدا هستم و شهادت به اینکه؛ محمد رسول‌الله است؛ دعوت می‌کنم، من شمارا امر می‌کنم؛ از سوی خداوند که بت‌ها را بشکنید و خانه را از این‌همه آلودگی پاک بکنید، این دعوت من است؛ به من پاسخ مثبت بدهید، اگر شما به این پیام من پاسخ دادید؛ عالم را در قبضه خود می‌گیرید؛ «تملکون بها العرب و تدین لکم العجم»، با این پاسخ شما؛ عرب در زمام شما قرار می‌گیرد و ملل غیر عرب هم به‌سوی شما گرایش پیدا خواهد کرد و شما؛ «تکونون ملوکاً فی الجنه»؛ پادشاهان بهشت خواهید شد و سرافراز در دنیا و آخرت خواهید بود.

نقل دیگر این است که؛ در صفا بر کوه صفا ایستاد و حضرت خطبه‌ای دیگر خواند: من را به امانت می‌شناسید، من را به اینکه؛ هیچ نقطه تاریکی در زندگی‌ام نیست؛ آشنا هستید، اگر به شما بگویم؛ پشت این کوه؛ دشمن در کمین شما نشسته است و آماده حمله به شماست؛ آیا تردید می‌کنید؛ همه گفتند تو را به صدق و امانت می‌شناسیم، من به شما می‌گویم؛ آتش جهنم در انتظار شماست و من برای نجات شما از جهنم و از عذاب دنیوی و اخروی خداوند تبارک‌وتعالی؛ مأمور شده‌ام و شمارا به توحید و رسالت خودم؛ دعوت می‌کنم.

طبق بعضی از نقل‌ها این‌طور است که؛ در همین جلسه؛ ابولهب که بسیار لجوج بود؛ بلند شد و گفت؛ برای این ما را جمع کردی و در همین‌جا بود که این آیه نازل شد« ***تَبَّتْ* يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ**»[[5]](#footnote-5)، تو محکوم به فنا در تاریخ هستی، رسول و پیامبر ما باقی خواهد ماند؛ همان‌طور که؛ طعنه‌ای به پیامبر زدند و گفتند؛ فرزند پسری از او باقی نمانده است، آیه «انّا أعطیناک الکوثر» نازل شد که؛ تو می‌مانی؛ اما دشنام دهنده تو؛ نسلش قطع می‌شود و نامش در تاریخ محو می‌شود و پیش خدا روسیاه است.

# خطبه دوم

اعوذبالله بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه**[[6]](#footnote-6)**؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»**[[7]](#footnote-7) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# توصیه به تقوای الهی

توصیه می‌کنم؛ خود و شما برادران و خواهران عزیز را به تقوای الهی

امیدواریم که خداوند تبارک‌وتعالی؛ شما را از بندگان موفق و مؤید به تأییدات خودش؛ قرار بدهد.

اولین نکته‌ این است که؛ همان‌طور همه در جریان هستید؛ سیل بسیار خانمان برافکنی در مازندران آمد و قریب به یک‌سوم شهر را از بین برد و خسارت‌های بسیار سنگینی را به مردم عزیز ما در آن منطقه وارد کرد، طبعاً موظف هستیم که؛ همدلی و همدردی داشته باشیم و عواطف خودمان را نسبت به برادران و خواهران سیل‌زده خود؛ ابراز بکنیم، امروز هم مبالغی که در محل نماز جمعه جمع می‌شود؛ به سیل‌زدگان شمال اختصاص پیدا می‌کند، امیدواریم که هم به نمازگزاران عزیز و به دیگران توصیه بشود که؛ هرکسی به فراخور خودش؛ به یاد برادران و خواهران سیل‌زده؛ باشیم.

اگر ما مردم؛ قواعد و قوانین مربوط به حفظ محیط‌زیست را رعایت نکنیم؛ از جهات مختلف؛ به کشور آسیب می‌رساند، این‌طور که متخصصین گفته‌اند؛ پیدایش سیلی با این عظمت و با این میزان تخریب بسیار بالا؛ در اثر بارندگی بالا بوده است، با توجه به خشک‌سالی؛ نعمتی بسیار خوبی بوده است، اما پیدایش سیل؛ به خاطر عدم رعایت قوانین محیط‌زیست بوده است، تخریب جنگل‌ها؛ منشأ پیدایش سیل شده است و این نکته را به ما می‌آموزد که؛ باران رحمت خداست؛ اما خلاف‌کاری ما و بی‌توجهی ما به قوانین؛ ممکن است که منشأ این آسیب‌ها و خسارت‌ها بشود.

توجه خود مسئولین و دولت برای سیل بندها با انواع و اشکال مختلفش؛ راه‌هایی است که؛ می‌تواند جلوی سیل را بگیرد.

این حادثه به ما یاد می‌دهد که؛ قوانین اجتماعی که سرنوشت همه ما به آن‌ها مربوط است؛ هرکدام در جای خودش و بر اساس وظیفه‌ای که داریم؛ باید رعایت شود.

# رویداد کسوف در بیست مرداد

نکته دوم این است که؛ در هفته آینده؛ روز بیستم مرداد؛ ساعت‌های بعدازظهر در کشور یک کسوف و خورشیدگرفتگی؛ نسبتاً مهمی پیدا خواهد شد که؛ آخرین خورشیدگرفتگی قرن بیستم است و در کشورهایی این خورشیدگرفتگی دیده می‌شود؛ بعضی جاها به‌صورت کامل و بعضی جاها کمتر است، در استان اصفهان و یزد؛ بیشتر این خورشیدگرفتگی دیده می‌شود.

در خصوص کسوف چند نکته حائز اهمیت است:

1- توصیه بهداشتی است که؛ در رسانه‌های گروهی گفته‌شده و تأکیدات زیادی شده است، این‌طور که متخصصان می‌گویند؛ خورشیدگرفتگی از لحظه‌ای که شروع می‌شود و تا لحظه‌ای که؛ کل خورشید نهان بشود، در این فاصله زمانی که تا خورشید به‌صورت کامل گرفته می‌شود؛ نگاه به خورشید؛ طبق نظر کارشناسان؛ بسیار مضر و مخرب است، دلیلش هم این است که؛ در آن لحظه ضرر خیلی احساس نمی‌شود، اما به نظر کارشناسان؛ تأثیر بسیار مخرب و مضری بر شبکیه چشم باقی می‌گذارد و قابل جبران نیست و بخصوص کودکان آثار تخریب زیادتری دارد.

با پیشگیری و با اطلاعات به‌موقع؛ خیلی از مسائل و مشکلات اجتماعی، بهداشتی، خانوادگی؛ را می‌شود؛ گرفت.

مثلاً با یک آزمایش جلوی بعضی از به دنیا آمدن نوزاد معلول گرفته می‌شود، شهر ما هم به‌گونه‌ای است که؛ معلولیت‌های زیادی داریم و امراض دیگر که؛ بعضی ضربه‌های اقتصادی به جامعه می‌زند، یا رعایت نکردن مقررات راهنمایی و رانندگی؛ همه این‌ها اگر سر جای خودش و دقیق و فرهنگ جامعه این بشود که باید قوانین اجتماعی را رعایت بکنیم.

2- نکته بعدی؛ بُعد شرعی این قضیه است که؛ در اسلام یکی از نمازهای واجب؛ نماز آیات است که در مواقع خاصی به‌عنوان یک فریضه واجب؛ همه موظف هستیم که آن نماز را بخوانیم، در موقع ماه‌گرفتگی، خورشیدگرفتگی و زلزله و حوادث نظیر این‌ها؛ با تفصیلی که در احکام شرعی آمده است؛ نماز آیات بر همه ما واجب است.

توصیه می‌کنم که؛ همه توجه به خواندن نماز آیات داشته باشید.

تغییر و تحول در خورشیدگرفتگی؛ باید ما را متوجه به‌نظام بدیع عالم بکند که؛ بسیار شگفت‌انگیز است که خداوند چطور این خورشید و ماه و فلک را برای حیات ما؛ تنظیم کرده است، در قرآن هم به خورشید قسم‌خورده شده؛ به خاطر اینکه؛ محضر آیات الهی است و قرار دادن نماز آیات در آن‌وقت؛ به خاطر این است که؛ یک حادثه نو است و ما را متوجه عظمت خلقت می‌کند و متوجه این می‌کند که همه‌چیز دست خداوند است و با اراده او؛ ممکن است که همه این‌ها از ما گرفته بشود و همچنین نماز آیات برای بیدار شدن باطن قرار داده‌شده و یک نوع هشدار است.

وقت ادا نماز آیات برای خورشیدگرفتگی؛ از شروع خورشیدگرفتگی تا وقتی‌که شروع به باز شدن می‌کند، از هنگامی‌که شروع به باز شدن می‌کند؛ تا پایان خورشیدگرفتگی؛ اگر کسی نماز می‌خواند؛ به‌قصد رجاء باید نماز بگذارد و بعدازآن دیگر نماز قضا است.

ان شاء الله هم بُعد بهداشتی و هم بُعد ایمانی این پدیده الهی و هم بحث نماز و احکامش؛ موردتوجه قرار بگیرد.

1. . اعراف (7): 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . آل‌عمران (3): 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. - آیه 94 و 95 سوره حِجر [↑](#footnote-ref-3)
4. آیه 97 و 98سوره حِجر [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره مسد آیه 1 [↑](#footnote-ref-5)
6. . اعراف (7): 43. [↑](#footnote-ref-6)
7. . آل‌عمران (3): 102. [↑](#footnote-ref-7)